

حج در سیره پیامبر ﷺ

جواد محدثی

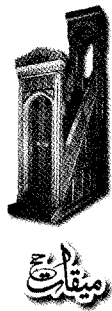
مقدمه

نگاه و پیروی از اسوه و الگو، آدمی را زودتر به هدف می‌رساند. پیامبر خدا ﷺ و امامان علیهم‌السلام و اولیای دین، سرمشق مسلمانان اند و آشنایی با سیره اخلاقی و عبادی آنان، برای بهتر پیمودن این مسیر بسیار مفید است. از این رو، توجه به سیره پیامبر خدا ﷺ در عبادت، به ویژه در انجام مناسک حج و حضور در این شعائر ابراهیمی، برای امت او کارساز است. آنچه می‌خوانید، نمونه‌هایی است از شیوه حج‌گزاری آن حضرت، که در منابع تاریخی و حدیثی آمده است. باشد که آن «اسوه حق» را در همه ابعاد زندگی الگوی عمل قرار دهیم، تا زودتر و درست‌تر به مقصود برسیم.

حرمت مکه و کعبه

می‌داشت و با ذکر و دعا و رعایت ادب، بر قداست آن توجه می‌داد و با تهلیل و تکبیر وارد شهر و حرم الهی می‌شد. هنگام رفتن به مکه، از تپه شمالی وارد و از ناحیه جنوب خارج می‌گشت.^۱

خانه توحید و قبله مسلمین، که بازسازی آن، یادگار ابراهیم خلیل علیه‌السلام است، مکانی است مقدس و شهری است مورد احترام. پیامبر خدا ﷺ نیز این حرمت را پاس



شب را در ذو الحلیفه می‌گذرانند. هنگام صبح، پس از نماز فجر، بر مرکب خویش سوار می‌شد و لبیک می‌گفت. فضل بن عباس نیز نقل کرده که پیامبر، در طول سفر، لبیک می‌گفت تا آن‌که رمی جمره عقبه کند. آنگاه هفت سنگ بر جمره عقبه می‌زد و با هر سنگریزه، تکبیر می‌گفت^۶ و چون از گفتن لبیک فراغت می‌یافت، از خدای متعال، مغفرت و رضایت او را می‌خواست و در خواست رهایی از آتش دوزخ داشت.^۷

از محرمات احرام، زیر سایه رفتن است، مگر آنگاه که به منزلگاه برسند و زیر سقف یا خیمه بگذرانند.

روزی یکی از معاندان، از امام کاظم علیه السلام در باره استظلال (زیر سایه رفتن) پرسید و این‌که مگر میان سایه کجاوه در حال سفر با سایه خیمه در حال نزول فرقی هست؟ حضرت موسی بن جعفر علیه السلام او را از این‌که در دین قیاس می‌کند نکوهش کرد و فرمود: ما مثل پیامبر خدا صلی الله علیه و آله عمل می‌کنیم و مثل او ذکر و لبیک می‌گوییم. سپس فرمود:

«پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بر مرکب خویش سوار می‌شد و هنگام سوار شدن، سایه بان نداشت و گاهی حرارت آفتاب او را رنج می‌داد. بعضی از بدنش را با بعضی دیگر

نقل شده است که تنها یک بار به درون کعبه رفت. جامه و عبایش را زیر پای خود انداخت و کفش‌هایش را از پای در آورد و میان دو ستون داخل کعبه، دو رکعت نماز گزارد.^۲

هنگام ورود به مکه، خدا را به عنوان «ذی المعارج» و صاحب‌الایبی بسیار می‌ستود. در مسیر راه، هنگام برخورد با هر سواره‌ای یا فراز آمدن بر هر تپه‌ای یا فرود آمدن به هر وادی و در فرصت‌های آخر شب و در پی نمازها «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ» می‌گفت^۳ و گاهی در طول راه، پیاده‌ها را سوار بر شتر خویش می‌کرد.

احرام و تلبیه

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در دو پارچه یمانی احرام می‌پست؛ همان دو جامه احرام که هنگام وفات نیز در همان‌ها کفن شد.^۴ جابر بن عبدالله نقل کرده که پیامبر هنگام احرام اینگونه لبیک گفت:

«لَبَّيْكَ، اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنَّعْمَةَ لَكَ وَ أَلْمُلْكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ».^۵

همچنین نقل شده که آن حضرت،

پیامبر خدا ﷺ شب و روز، ده بار طواف می‌کرد؛ هر بار هفت دور. سه بار در آغاز شب، سه بار در آخر شب، دو بار هنگام صبح و دو بار بعد از ظهر. و در فاصله این نوبت‌ها به استراحت می‌پرداخت.^{۱۰}

در حدیثی از امام هادی علیه السلام نقل شده که آن حضرت فرمود:

«إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ كَانَ يَطُوفُ بِالْبَيْتِ وَ يَقْبَلُ الْحَجَرَ».^{۱۱}

«پیامبر خدا خانه خدا را طواف می‌کرد و حجر الاسود را می‌بوسید.»

امام صادق علیه السلام در حال طواف بود که سفیان ثوری از آن حضرت پرسید: وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام طواف به حجر الاسود می‌رسید، چه می‌کرد؟ حضرت فرمود: «كَانَ يَسْتَلِمُهُ فِي كُلِّ طَوَافٍ فَرِيضَةً وَ نَافِلَةً»، در هر طواف واجب و مستحب، دست بر آن می‌کشید. آنگاه امام صادق به طواف پرداخت و چون مقابل حجرالاسود رسید، عبور کرد و آن را استلام نکرد. سفیان ثوری خود را به حضرت رسانید و گفت: مگر نفرمودید که پیامبر در هر طواف واجب و مستحب، حجرالاسود را لمس می‌کرد؟ پس چرا خودتان چنین نکردید؟ امام صادق علیه السلام فرمود: مردم برای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله

و گاهی صورتش را با دستش می‌پوشانید. اما آنگاه که در منزلگاه فرود می‌آمد، زیر خیمه و سایه خیمه یا سایه دیوار قرار می‌گرفت.^۸

از مواقع استجابت دعا، هنگام ورود به خانه خداوند است که چشم زائر به بیت‌الله می‌افتد. خدایی که از بندگانش خواسته به زیارت خانه‌اش آید، سزاوار است که در لحظه ورود میهمان، پذیرایی کند و پذیرایی خدا استجابت دعاست. از این رو، در آن لحظه سفارش به دعا شده است. پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله نیز چنین روشی داشت و هنگامی که از طرف خانه یعلی می‌خواست وارد مسجد الحرام شود، رو به کعبه می‌ایستاد و این چنین دعا می‌کرد:

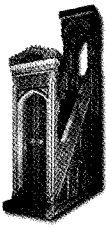
«إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا جَاءَ مَكَانًا مِنْ دَارِ يَعْلَى اسْتَقْبَلَ الْبَيْتَ فَدَعَا».^۹

ادب طواف

در سیره نبوی، در باره «طواف» نکات متعددی نقل شده که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

از امام صادق علیه السلام در باره ویژگی

طواف پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پرسیدند. حضرت فرمود:



مِثْقَاتُ

پیامبر خدا ﷺ هرگاه عبورش به حجرالأسود و یمانی می‌افتاد، آن را استلام می‌کرد و دست بر آن‌ها می‌کشید. آنچه در انجام مناسک و عبادات مهم است، تبعیت از سیره اولیای دین است و این عملی تعبّدی است نه قیاسی و استحسانی. پیروان واقعی نیز باید در کیفیت حج‌گزاری، دقیقاً بر این منوال و سیره حرکت کنند.

بریدبن معاویه عجللی از حضرت صادق علیه السلام پرسید:

چرا مردم هنگام طواف، رکن حجرالأسود و یمانی را استلام می‌کنند، اما دو رکن دیگر کعبه را استلام نمی‌کنند؟

حضرت فرمود: همین پرسش را عبادبن صُهبیب بصری هم از من پرسید. به او گفتم: زیرا که پیامبر خدا ﷺ این دو را استلام کرد، اما آن دو را استلام نکرد و بر مردم است که آنگونه عمل کنند که پیامبر عمل کرده است:

«إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ اسْتَلَمَ هَذَيْنِ وَلَمْ يَسْتَلِمِ هَذَيْنِ فَإِنَّمَا عَلَى النَّاسِ أَنْ يَفْعَلُوا مَا فَعَلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ...»^{۱۴}

آب زمزم

زمزم، به صورت چشمه‌ای زیر پای اسماعیل علیه السلام جوشید. در آن وادی خشک و

جایگاهی قائل بودند که برای من قائل نیستند. وقتی پیامبر به حجرالأسود می‌رسید، راه را برای حضرتش می‌گشودند تا استلام کند و من خوش ندارم که در ازدحام و شلوغی جمعیت وارد شوم.^{۱۲}

از علی علیه السلام نیز روایت شده است که:

«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَسْتَلِمُ الرُّكْنَيْنِ؛ الَّذِي فِيهِ الْحَجَرُ الْأَسْوَدُ وَالرُّكْنَ الْيَمَانِيَّ، كُلَّمَا مَرَّ بِهِمَا فِي الطَّوَافِ»^{۱۳}.

آنچه در انجام مناسک و عبادات مهم است، تبعیت از سیره اولیای دین است و این عملی تعبّدی است نه قیاسی و استحسانی. پیروان واقعی نیز باید در کیفیت حج‌گزاری، دقیقاً بر این منوال و سیره حرکت کنند.

وَهُوَ بِالْمَدِينَةِ»^{۱۷}

«پیامبر خدا ﷺ دورانی که در مدینه بود، همواره می‌خواست که از آب زمزم برایش هدیه و سوغات بیاورند.»

قربانی

قربانی به درگاه خداوند، نشانه تسلیم و تعبد و فداکاری و ایثار است. از این رو، مستحب است قربانی حاجی چاق، درشت و پرگوشت باشد. تا هم خیر بیشتری به مردم برسد و هم گذشت بیشتری از مال، در راه خداوند صورت گیرد.

سیره حضرت رسول آن بود که فوجی بزرگ، چاق و نر قربانی می‌کرد. رنگش کبود مایل به سفیدی بود.

ابن عباس نقل می‌کند که پیامبر خدا دو گوسفند سفید قربانی می‌کرد، پای خود را هنگام ذبح بر روی آن می‌گذاشت و می‌فرمود: «بِسْمِ اللَّهِ مِنْكَ وَ لَكَ، اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنْ مُحَمَّدٍ...»^{۱۸}

و به روایت منقول از عبدالله بن سنان:

«پیامبر خدا ﷺ روز عید قربان دو گوسفند ذبح می‌کرد؛ یکی از جانب خود، دیگری به نیابت از هر کس از امتش که توان قربانی نداشت. امیر مؤمنان ﷺ نیز دو قربانی می‌کرد؛ یکی از جانب خود و

بی‌آب، که سعی هاجر میان صفا و مروه، برای یافتن آب به جایی نرسید، به اعجاز الهی، مایه آبادانی و برکت آن منطقه شد. آب زمزم فضیلت بسیار دارد و نوشیدن از آن مستحب است.

از حضرت رسول ﷺ روایت است که:

«مَاءٌ زَمْزَمٌ دَوَاءٌ مِمَّا شُرِبَ لَهُ»^{۱۵}

«آب زمزم برای هر دردی که به خاطر آن نوشیده شود، درمان است.»

پیامبر اعظم ﷺ به این آب علاقه داشت و از آن می‌نوشید و گاهی می‌فرمود تا برای او سوغات آورند. به نقل ابن شهر آشوب:

«كَانَ النَّبِيُّ يَأْتِي زَمْزَمَ فَيَشْرِبُ مِنْهَا شَرْبَةً»^{۱۶}

«پیامبر خدا ﷺ سراغ زمزم می‌رفت و از آب آن می‌نوشید.»

در این حدیث روشن نیست که این عمل، شیوه آن حضرت در پیش از اسلام و قبل از بعثت بوده یا پیش از هجرت و یا به دوران رسالت بر می‌گردد. اما نقل دیگری وجود دارد که اهتمام آن حضرت را به آب زمزم می‌رساند:

«كَانَ النَّبِيُّ ﷺ يَسْتَهْدِي مِنْ مَاءِ زَمْزَمَ



دیگری از طرف پیامبر خدا ﷺ. ۱۹

نقل دیگری درباره شیوه قربانی کردن پیامبر چنین است:

«پیامبر دو گوسفند سفید را نزدیک می‌آورد؛ یکی را ذبح می‌کرد و می‌فرمود: خدایا! این از جانب محمد و آل محمد. دیگری را نزدیک می‌آورد و هنگام ذبح می‌فرمود: خداوندا! این از جانب امتم. هرکس که به یگانگی تو و به ابلاغ رسالتم شهادت دهد.» ۲۰

این‌که حاجی خود به قربانگاه رود و خود قربانی را سر ببرد، مطلوب و بهتر است از نیابت. انس بن مالک نقل می‌کند که پیامبر خدا ﷺ خود با دست خویش قربانی‌اش را ذبح می‌کرد و نام خدا را بر زبان می‌راند: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ يَذْبَحُ أَضْحِيَّتَهُ بِيَدِهِ وَ يُسَمِّي فِيهَا.» ۲۱

حلق و تقصیر

روز عید قربان، روز پاکی جان و بیرون آمدن از تعلقات و زدودن زواید است. تراشیدن سر نیز یکی از نمادهای «علقه زدایی» است. از امام صادق (ع) روایت شده است:

«قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَوْمَ النَّحْرِ

يَحْلِقُ رَأْسَهُ وَ يَقْلَمُ أَظْفَارَهُ وَ يَأْخُذُ مِنْ شَارِبِهِ وَ مِنْ أَطْرَافِ لِحْيَتِهِ.» ۲۲

«پیامبر خدا ﷺ روز عید قربان، موی سرش را می‌تراشید. ناخن‌هایش را کوتاه می‌کرد و بخشی از شارب و محاسن (ریش و سیبیل) خود را کوتاه می‌کرد.»

این شیوه که به نظافت و آراستگی و اصلاح سر و صورت مربوط می‌شود، شایسته روز عید است که روز زینت و تجمل است.

پیامبر خدا ﷺ روز عید قربان دو گوسفند ذبح می‌کرد؛ یکی از جانب خود، دیگری به نیابت از هر کس از امتی که توان قربانی نداشت. امیر مؤمنان (ع) نیز دو قربانی می‌کرد؛ یکی از جانب خود و دیگری از طرف پیامبر خدا ﷺ.

رمی جمره

رمی جمره که یکی از اعمال حج است. نشان طرد شیطان و راندن آن از خویش است. این عمل در روز عید قربان و دو روز بعد انجام می‌گیرد.



میقات

الفت دارند. از ابن عباس نقل شده که پیامبر خدا در شب‌های تشریق، هر شب از منا به مکه می‌آمد و خانه کعبه را زیارت می‌کرد: «أَنَّ النَّبِيَّ كَانَ يَزُورُ الْبَيْتَ كُلَّ لَيْلَةٍ مِنْ لَيْلِي مَنِيَّ». ^{۲۷} در حدیثی هم آمده که امام باقر علیه السلام در پاسخ نامه ابراهیم بن شیبه چنین نوشت:

«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يُحِبُّ إِكْتَارَ الصَّلَاةِ فِي الْحَرَمَيْنِ فَأَكْثَرَ فِيهِمَا وَ أَتَمَّ». ^{۲۸}

«پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دوست داشت که در مدینه و مکه بسیار نماز بخواند. تو هم در این دو شهر نماز زیاد بخوان و نماز را تمام اقامه کن نه شکسته.»

مسجد قبا یکی از مساجد مورد علاقه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بود. هر گاه به قبا می‌رفت در منزل سعد بن خیثمه انصاری فرود می‌آمد. سراغ مسجد قبا می‌رفت، از چاه، آب می‌کشید و پاهای خود را می‌شست و از روی سنگ‌های کنار جاده عبور می‌کرد و در آن مسجد نماز می‌خواند. طبق نقل ابوسعید خدری، آن حضرت هر هفته روزهای شنبه پیاده به مسجد قبا می‌رفت. گاهی هم سواره این راه را می‌پیمود: «أَنَّ النَّبِيَّ كَانَ يَأْتِي قُبَاءَ مَاشِيًا وَ رَاكِبًا». ^{۲۹}

از حضرت باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود:

«أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ يَرْمِي الْجِمَارَ مَاشِيًا». ^{۲۳}

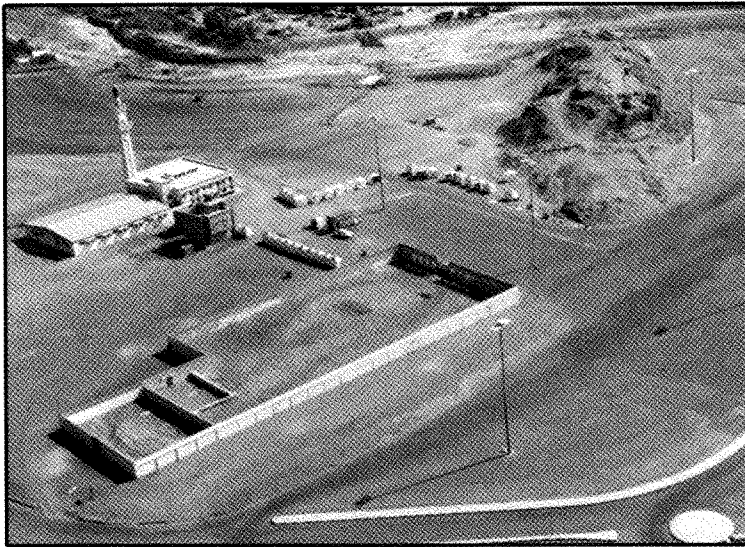
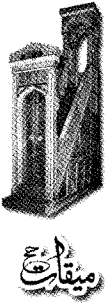
«پیامبر خدا صلی الله علیه و آله جمرات را پیاده رمی می‌کرد.»

و طبق نقل جابر بن عبدالله، پیامبر خدا روز عید قربان، هنگامی که آفتاب بالا آمده بود، جمرات را رمی می‌کرد، اما روزهای پس از عید، پس از زوال خورشید و بعد از ظهر رمی می‌کرد. ^{۲۴} و ابن عباس نقل کرده که آن حضرت، پس از زوال خورشید (نیم روز)، رمی جمرات می‌کرد و چون فارغ می‌شد، نماز ظهر را می‌خواند. ^{۲۵}

و طبق نقل حضرت صادق علیه السلام پیامبر خدا روز عید، چون از مزدلفه به منا آمد، ابتدا سراغ جمره عقبه رفت و با هفت سنگ ریزه آن را رمی کرد. سپس به منا برگشت و این بخشی از سنت است. ^{۲۶}

شوق حرم و عشق نماز

خانه خدا در مکه، محبوب دل‌هاست و عبادت در آنجا ثواب بسیار دارد و دل‌های عاشق، با آن مسجد مقدس انس و



زیارت اُحد

رفتن به دیدار کسی که از سفر حج و زیارت خانه خدا برگشته و درود و تحیت گفتن به او، از آداب و سنت‌های حج و تعظیم شعائر الهی است و ثواب دارد. حضرت صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش در باره سیره حضرت رسول در این مورد، چنین نقل کرده است:

«إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ يَقُولُ لِقَادِمٍ مِنَ الْحَجِّ: تَقَبَّلَ اللَّهُ مِنْكَ وَ أَخْلَفَ عَلَيْكَ نَفَقَتَكَ وَ عَفَرَ ذَنْبَكَ.»^{۳۲}

«پیامبر خدا ﷺ به کسی که از حج بر می‌گشت، می‌فرمود: خداوند از تو بپذیرد و هزینه‌ات را جایگزین سازد و گناهت را ببخشد.»

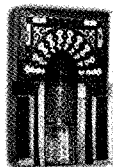
به دیگران نیز توصیه می‌کرد: هرگاه به

تکریم شهدا و زیارت تربت جان باختگان راه خدا، اجر فراوان دارد و نشر فرهنگ جهاد و شهادت است. پیامبر خدا ﷺ نیز در این احیاگری و اکرام، سهم داشت. به روایت امام صادق علیه السلام:

حضرت رسول، هرگاه به زیارت قبور شهدا (در اُحد) می‌رفت، خطاب به آن شهیدان این آیه قرآنی را می‌خواند:

«سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ.»^{۳۰}

«سلام و درود بر شما به خاطر آنچه که صبر کردید. پس سرای آخرت چه جای خوبی است!»^{۳۱}



میتا

رفت - همان سال حَجَّة الوداع - حج خود و مناسکشان را انجام دادند و مردم همه آنچه را بدان نیاز داشتند آموختند و حضرت رسول ﷺ به آنان اعلام کرد که آیین حضرت ابراهیم را برایشان بر پا داشته است. همه بدعت‌های مشرکان را پس از ابراهیم زدوده و حج را به حالت نخستین خود برگردانده است.^{۳۴}

از ابن عمر نیز روایت است که: پیامبر خدا ﷺ یک روز قبل از ترویبه برای مردم خطبه می‌خواند و آنان را نسبت به مناسک خود آگاه می‌کرد:

«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا كَانَ قَبْلَ التَّرْوِيَةِ بِيَوْمٍ خَطَبَ النَّاسَ فَأَخْبَرَهُمْ بِمَنَاسِكِهِمْ».^{۳۵}

حج آگاهانه، توصیه حضرت رسول بود. در خطبه روز غدیر هم در بازگشت از حَجَّة الوداع، در جمع مسلمانان حاضر فرمود:

«مَعَاشِرَ النَّاسِ! حُجُّوا الْبَيْتَ بِكَمَالِ الدِّينِ وَ التَّفَقُّهِ...».^{۳۶}

«ای مردم، با کمال دینداری و همراه با دین‌شناسی و تفقه، حج خانه خدا کنید.» این‌ها نمونه‌ها و گوشه‌هایی بود از

دیدار حاجی رفتی، به او سلام ده و مصافحه کن و بخواه که قبل از ورود به خانه‌اش در حق تو دعا و استغفار کند.

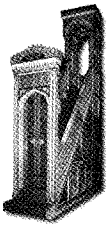
آموزش مناسک

اهتمام پیامبر خدا ﷺ بر این‌که زائران خانه خدا و انجام دهندگان حج و عمره، مناسک خود را به درستی انجام دهند، بسیار بود و در مواقع مختلف به آنان یاد می‌داد؛ از جمله پیش از عزیمتشان به سفر، به آنان می‌فرمود:

«تَعَلَّمُوا مَنَاسِكَكُمْ فَإِنَّهَا مِنْ دِينِكُمْ».^{۳۳}

«مناسک خویش را بیاموزید، که این جزئی از دین شماست.»

حدیثه نقل می‌کند پیامبر خدا ﷺ فرمان داد که مؤذنان همه جا، در مناطق بالا و پایین، اعلام کردند که رسول الله امسال قصد حج دارد که به مردم حج و مناسک آن را بیاموزد و این آموزش و فراگیری، پایه و سنتی شود تا آخر روزگار. همه مسلمانان در سال دهم هجرت در حج مشارکت کردند، تا هم شاهد منافع خویش باشند و هم پیامبر خدا حج را به آنان بیاموزد و مناسکشان را به ایشان بشناساند. پیامبر همراه مردم و همسرانش به حج



میقات

لیکن آنچه در این نوشته تقدیم شد، نکاتی است که در نقل‌های تاریخی و احادیث، به صورت سیره مستمر و روش ساری و جاری آن حضرت در این زمینه آمده است. باشد که از سیره آن رسول مکی و مدنی، در همه ابعاد؛ از جمله در چگونگی حج‌گزاری الهام بگیریم و با تأسی به سیره نبوی، گام جای گام آن پیامبر رحمت بنهیم، ان شاء الله.

سیره نبوی در مورد حج خانه خدا و مناسک حج و اعمال گوناگون این زیارت معنوی که آوردیم.

البته در مورد چگونگی حج‌گزاری پیامبر خدا ﷺ در آخرین سال عمر شریفش و جزئیات آن سفر پر خاطره، که در منابع حدیثی و تاریخی گزارش شده، گفتنی بسیار است و کتاب‌های مستقلی نگاشته شده که شیوه حج پیامبر خدا ﷺ را ترسیم می‌کند.

از سیره آن رسول مکی و مدنی، در همه ابعاد؛ از جمله در چگونگی حج‌گزاری الهام بگیریم و با تأسی به سیره نبوی، گام جای گام آن پیامبر رحمت بنهیم

پی‌نوشت‌ها

۱. الطبقات الكبرى، ج ۲، ص ۱۰۷
۲. تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۴۹۱ و ۲۷۹
۳. الکافی، ج ۴، ص ۲۴۹
۴. همان، ص ۳۳۹
۵. جعفریات، ص ۶۴
۶. طبرانی، المعجم الكبير، ج ۱۲، ص ۲۷۹ و ج ۱۸، ص ۲۶۸
۷. همان، ج ۴، ص ۸۵
۸. الکافی، ج ۴، ص ۳۵۰
۹. مسند احمد، ج ۴، ص ۶۱ و ج ۵، ص ۳۷۴
۱۰. الکافی، ج ۴، ص ۴۲۸
۱۱. همان، ص ۵۶۷
۱۲. همان، ص ۴۰۴
۱۳. مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۳۸۹؛ الدعائم، ج ۱، ص ۳۱۲
۱۴. وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۳۴۰؛ علل شرایع، ص ۴۲۸



میقات

- ۱۵ . محاسن برقی، ج ۲، ص ۳۹۹
- ۱۶ . ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۱، ص ۳۶
- ۱۷ . تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۴۱۷
- ۱۸ . المعجم الكبير، ج ۱۱، ص ۱۲۲
- ۱۹ . کافی، ج ۴، ص ۴۹۵؛ بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۷۶
- ۲۰ . مجمع الزوائد، ج ۴، ص ۲۳
- ۲۱ . الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۲۹۳
- ۲۲ . الکافی، ج ۴، ص ۵۰۲؛ علامه طباطبائی، سنن النبی، ص ۳۹۳
- ۲۳ . کافی، ج ۴، ص ۴۸۶
- ۲۴ . الطبقات الكبرى، ج ۲، ص ۱۳۸
- ۲۵ . المعجم الكبير، ج ۱۱، ص ۳۱۳
- ۲۶ . دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۳۲۳
- ۲۷ . المعجم الكبير، ج ۱۲، ص ۱۵۹
- ۲۸ . کافی، ج ۴، ص ۵۲۴
- ۲۹ . الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۱۸۸ و ۱۸۹
- ۳۰ . رعد: ۲۴
- ۳۱ . کامل الزیارات، ص ۶۴
- ۳۲ . المحاسن، ج ۲، ص ۱۲۷
- ۳۳ . تاریخ دمشق، ج ۲۶، ص ۲۱۱
- ۳۴ . الحج و العمره فی الكتاب و السنه، ص ۲۴۶
- ۳۵ . همان.
- ۳۶ . احتجاج، ج ۱، ص ۱۵۶